

اما صادق و مصیر عظیم علمی

عبدالکریم پاک نیا

عَيْنَهُ عَلَيْهِ وَ مَوِيلُ حُكْمِهِ وَ كُهُوفُ كِتَابِهِ وَ
جِبَالُ دِينِهِ؛^۱ آنان جایگاه سر خداوندی و
پناهگاه فرمان الهی و مخزن علم خدا و
پناهگاه حکم او و نگهبان کتابهای
آسمانی و کوه‌های دین خدایند.

حضرت صادق علیه السلام نیز عترت
رسول خدا صلی الله علیه و آله را کانون
حکمت و رحمت الهی دانسته،
می‌فرماید: «نَحْنُ شَجَرَةُ النُّبُوَّةِ وَ بَيْتُ
الرَّحْمَةِ وَ مَقَاتِيحُ الْحِكْمَةِ وَ مَعْدِنُ الْعِلْمِ؛^۲

مطالعه سیره و تاریخ ائمه علیهم
السلام و توجه به آثار فرهنگی که از اهل
بیت پیامبر علیهم السلام به ما رسیده
است، نشان می‌دهد که آن بزرگواران در
تمام رشته‌های مورد نیاز علوم بشری
تبحر داشته و داناترین اندیشمندان عصر
خود بوده‌اند؛ چرا که دانش آنان متصل به
علم رسول خدا صلی الله علیه و آله، و
آن هم برگرفته از علوم بی‌پایان الهی بوده
است.

امام علی علیه السلام در توصیف
دانش آل محمد صلی الله علیه و آله
می‌فرماید: «هُمْ مَوْضِعُ سِرِّهِ وَ لَجَأُ أَمْرِهِ وَ

۱. نهج البلاغه، خطبه دوم.

۲. بصائر الدرجات، ص ۷۷.

ما [خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله] درخت نبوت و خانه رحمت و کلیدهای حکمت و سرچشمه دانش هستیم.»

اساساً علم و دانش اهل بیت علیهم السلام با هیچ فرد و گروهی قابل مقایسه نیست؛ زیرا علم محدود بشری هرگز نمی‌تواند به دانسته‌های عالی و معارف آسمانی پیشوایان معصوم علیهم السلام برسد.

جانشینان راستین رسول اکرم صلی الله علیه و آله همگی در عرصه علم و دانش سرآمد دانشمندان جهان و صاحبان علوم بی‌پایان بودند؛ چه اینکه هر کس علم را از معدن آن و سرچشمه دانش نگرفته باشد، علم محدودی دارد و مطمئناً راه به جایی نخواهد برد؛ اما اگر معارف الهی و انسانی را از باب علم و معدن حکمت الهی فرا گرفته باشد، به سرمایه‌ای پایان‌ناپذیر دست یافته است.

در این راستا، حضرت صادق علیه السلام یکی از مهم‌ترین ارکان شیعه و بنیانگذار علوم مختلف مورد نیاز جامعه بشری می‌باشد. دانش پزشکی، کلام، فلسفه، تربیت، اخلاق، عرفان، حدیث،

فقه، تفسیر، شیمی، تشریح، روان‌شناسی، حیوان‌شناسی، لغت، ادبیات، سیاست و حکومت، از جمله دانشهایی هستند که پیشوای ششم به مشتاقان معارف آموخته است.

نظریات تفسیری امام صادق علیه السلام در همه کتابهای حدیثی و تفسیری بدون استثناء آمده است. «الاخلاق عند الامام الصادق علیه السلام»

نوشته محمد امین زین الدین، در بیان سخنان اخلاقی امام صادق علیه السلام؛ «فلسفة الامام الصادق» تألیف محمد جواد جزائری، در مسائل فلسفی و آراء آن امام؛ «الهیة و الاسلام» از سید هبة الدین شهرستانی، در اندیشه‌های نجومی و فلکی آن حضرت؛ «الامام الصادق ملهم الکیمیا» از محمد یحیی هاشمی، در موضوع شیمی؛ «طب الامام الصادق علیه السلام» از حکیم نامدار جهان عرب، محمد خلیلی، در بیان رهنمودهای پزشکی امام ششم علیه السلام؛ «الصحیفة الصادقیة» تألیف باقر شریف قرشی، در دعاها و مناجات امام ششم علیه السلام و

«الفائق فی اصحاب الصادق علیه السلام» در معرفی درس آموزان مکتب جعفری علیه السلام، نمونه‌هایی از دانش بی‌کران صادق آل محمد علیهم السلام را به تشنگان کوثر زلال معارف عرضه کرده‌اند.

شیخ مفید دانشور نامدار شیعه در مورد عظمت علم و دانش و کمال امام صادق علیه السلام می‌گوید: «آن حضرت در عرصه فضل و دانش بر دیگران برتری یافته و اهل سنت، علوم و اطلاعات فراوانی از آن بزرگوار نقل کرده‌اند؛ آن قدر از علم و دانش وی نقل کرده‌اند که به تمام شهرها منتقل شده و علم و دانش هیچ یک از اهل بیت علیهم السلام به اندازه وی مورد استفاده دیگران قرار نگرفته است.

مشتاقان علم و دانش از اطراف و اکناف برای کسب فیض و کمالات علمی به در سرای او شتافته‌اند و همچنین ناقلان آثار و گزارشگران علوم و اخبار به اندازه او از دیگران نقل نکرده‌اند و از هیچ یک از علماء اهل بیت علیهم السلام به اندازه آن حضرت احادیث نقل نشده

است. یکی از دلایل دانش بی‌کران آن حضرت، وجود چهار هزار نفر شاگرد است که با نامها و مشخصاتشان در کتابهای رجالی ثبت شده‌اند.^۱

رشته‌های مختلف علمی در دانشگاه جعفری

گزارشهای متعددی در دست است که امام صادق علیه السلام شاگردان خود را بر حسب استعدادشان به تبحر در رشته‌های مختلف دانش هدایت می‌کرد. روایت زیر یکی از این گزارشها را به ما منعکس می‌کند و گواهی بر این مدعاست.

هشام بن سالم یکی از شاگردان ممتاز حضرت صادق علیه السلام می‌گوید: روزی به همراه عده‌ای از شیعیان در محضر امام صادق علیه السلام بودیم که مرد دانشمندی از اهالی شام به محفل آن حضرت وارد شد. او به امام علیه السلام عرضه داشت: من شنیده‌ام که تو در تمام رشته‌های علوم مهارت داری و هر پرسشی را به راحتی پاسخ می‌دهی!

۱. ارشاد مفید، ص ۵۲۵.

آمده‌ام تا با تو مناظره و گفتگو کنم. امام فرمود: در چه موضوعی می‌خواهی مناظره کنی؟ او مناظره در علوم قرآنی را پیشنهاد کرد.

امام صادق علیه السلام به حمران فرمود: ای حمران! با این مرد در موضوعات علوم قرآنی مناظره کن! دانشمند شامی گفت: من با شخص شما می‌خواهم گفتگو کنم نه با حمران. امام فرمود: فرقی نمی‌کند، اگر در این مناظره بر حمران پیروز شوی، مثل این است که بر من پیروز شده‌ای.

او با حمران مناظره آغاز کرد و آن قدر سؤال کرد تا اینکه خسته شد و حمران بدون درنگ و پشت سر هم به تمام سؤالات او پاسخ می‌داد. امام علیه السلام از شامی پرسید: او را چگونه یافتی؟ مرد شامی گفت: او مهارت عجیبی در این علم دارد؛ هر چه پرسیدم، با کمال توانایی و تسلط پاسخ گفت. امام به حمران فرمود: تو نیز از او بپرس و مرد شامی در اولین سؤال از پاسخ فرو ماند و ناتوانی در چهره‌اش پدیدار گردید.

عالم شامی سپس پیشنهاد مباحثه در ادبیات عرب را پیش کشید و امام صادق علیه السلام به شاگرد دیگرش، ابان بن تغلب اشاره کرد و او به نحو شایسته‌ای شامی را مغلوب کرد. او گفت: می‌خواهم در علم فقه بپرسم. امام صادق علیه السلام زراره را برای علم فقه برگزید و شامی از زراره بن اعین هم شکست خورد. او همچنین در مناظره در علم کلام از مؤمن طاق و در استطاعت از حمزه بن محمد طیار و در علم توحید و خداشناسی از هشام بن سالم و در موضوع مهم امامت از هشام بن حکم شکست خورد و ناتوان گردید.

امام صادق علیه السلام که بر همه این گفتگوها نظارت می‌کرد، از مهارت و دانش سرشار تربیت یافتگان مکتب خویش خوشحال شد و اظهار رضایت کرد. سپس توضیحاتی در کیفیت گفتگوی شاگردانش و رهنمودهایی به دانشمند شامی بیان کرد. مرد شامی که عالمی خوش فکر و پاکدل بود، بعد از اینکه خود را با دریایی از علم و معرفت

و اندیشه مقابل دید، حق را پذیرفت و از امام صادق علیه السلام در زمینه علمی استمداد طلبید و آن حضرت نیز او را به شاگردی هشام بن حکم مفتخر ساخت.^۱

قطره‌ای از دریا

«توحید مفضل» که امروزه مشتاقان دانش جعفری به آن دست‌رسی دارند، نمونه روشنی از احاطه آن حضرت به علوم گوناگون می‌باشد و خود قطره‌ای از دریاست. اساساً این اثر همانند یک معجزه علمی برای جهان تشنه علم و صنعت به حساب می‌آید؛ همچنان که نهج البلاغه و صحیفه سجادیه این گونه است. توحید مفضل در کنار اطلاعات بی‌شماری که از عالم طبیعت، آفرینش انسان و حیوان و سایر موجودات به خواننده گزارش می‌دهد، همانند قرآن کریم انسان را به سوی حقیقت رهنمون می‌سازد و وجود خدا را در وجود خود انسان و در متن زندگی او نشان می‌دهد. امام صادق علیه السلام در آن صحیفه توحیدی به فلسفه و رازهای نهفته جهان

هستی اشاره دارد و مشخص می‌کند که به تمام اسرار آفرینش کاملاً احاطه دارد. آن حضرت همانند فیلسوفی متألّه، متکلمسی زبردست، پزشکی ماهر، تحلیلگری قوی، تشریح کننده‌ای مو شکاف، کارشناسی برجسته در امور کشاورزی و درختکاری، حیوان‌شناسی عمق‌نگر و آگاه‌ترین فرد در زمینه معدن، آب، فیزیک، شیمی، ریاضیات، هوا و فضا و نجوم از ریزه‌کاریها و رازهای شگفت‌انگیز عالم طبیعت پرده برمی‌دارد و در سطح فهم مخاطب سخن می‌گوید.^۲ و در پدیده‌های مختلف آسمان و زمین، وجود آفریدگار را گوشزد می‌کند.

توحید مفضل تفسیر این آیه قرآن است که فرمود: ﴿سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾^۳ «به زودی نشانه‌های روشن خود را در اطراف هستی و در وجودشان به آنان نشان خواهیم داد تا برای آنان

۲. توحید مفضل، ص ۲۹.

۳. فصلت / ۵۳.

۱. رجال کشی، ص ۲۷۵.

آشکار گردد که او حق است. آیا کافی نیست که پروردگارت بر همه چیز گواه است؟»

مهم‌ترین امتیاز گزارشهای علمی امام صادق علیه السلام از اسرار هستی، این است که به همراه ارائه نکات علمی و تحقیقی، درس توحید و خداشناسی و هدایت انسان به سوی حق را مد نظر قرار می‌دهد و همانند کلام وحی افراد را به تدبر و تحقیق و تفکر در صنع الهی دعوت می‌کند. در اینجا مطلبی را در موضوع هوا از توحید مفضل می‌خوانیم:

«از همسین هوا و مصالح نهفته آن درس عبرت بگیر! هوا عامل حیات این بدن‌هاست و با تنفس و گرفتن آن از خارج باعث حیات درون جسم می‌گردد. صداها را از فاصله‌های بسیار دور می‌رساند و بوهای خوش را از جایی به جای دیگر حمل می‌کند. نمی‌بینی از جانی که باد می‌آید، بویی می‌آید؟ صدا نیز این گونه است. هوا گرما و سرما را که به سود عالم است، می‌پذیرد. باد وزنده نیز از جنس هواست. باد بدن‌ها را خنک می‌کند، ابرها را از جایی به جای

دیگر می‌برد تا مترکم شود، باران دهد و بهره‌اش شامل همه گردد. آن گاه که بارید، باد ابرها را می‌پراکند، درختها را آبستن می‌کند، کشتیها را به حرکت می‌اندازد، غذاها را لطیف و خوردنی می‌گرداند، آب را سرد و آتش را فروخته می‌سازد، چیزهای تر را می‌خشکاند و هر چیزی را در روی زمین زنده می‌کند. اگر باد نبود، رویندگان پژمرده می‌شدند، جانوران می‌مردند و همه چیز تفتیده و فاسد می‌شد.»^۱

دانش پزشکی

پیشوای صادق شیعیان در عرصه دانش پزشکی، سخنان ارزنده‌ای به دستداران علم و کمال عرضه کرده است که امروزه بعد از گذشت قرن‌ها و کشف رشته‌های مختلف علم پزشکی، صحت و برتری نظرات آن سرچشمه دانش به روشنی معلوم می‌شود. در اینجا به برخی از توصیه‌های بهداشتی و پزشکی آن حضرت می‌پردازیم:

۱. توحید المفضل، ص ۱۴۱؛ بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۱۹؛ ترجمه توحید مفضل، ص ۱۳۰.

امام صادق علیه السلام فرمود: «فِي السُّوَاكِ اثْنَتَا عَشْرَةَ خَصْلَةً هُوَ مِنَ السُّنَّةِ وَ مَطَهْرَةٌ لِلْفَمِ وَ مَجْلَاءٌ لِلْبَصْرِ وَ يُرَضِّي الرَّبَّ وَ يَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ وَ يَزِيدُ فِي الْحِفْظِ وَ يُبَيِّضُ الْأَسْنَانَ وَ يُضَاعَفُ الْحَسَنَاتِ وَ يَذْهَبُ بِالْحَقْرِ وَ يَشُدُّ اللَّثَّةَ وَ يُشَهِّي الطَّعَامَ وَ تَفْرَحُ بِهِ الْمَلَائِكَةُ»^۱ در مسواک کردن دوازده امتیاز و فائده هست: از سنت [و شیوه رسول اکرم صلی الله علیه و آله]

می باشد، دهان را پاکیزه می کند، چشم را جلاء می دهد [و روشن می کند]، خداوند را راضی می سازد، بلغم را از میان می برد، حافظه را تقویت می کند، دندانها را سفید می گرداند، حسنات [و پادشاهای اخروی] را افزون می سازد، حفره ها [ی دندان] را پر می کند، لثه ها را محکم می گرداند، اشتها به غذا را افزون می سازد و فرشتگان آسمان به وسیله آن خوشحال می شوند.

از دیر زمان، انسانها برای نظافت و پاکیزگی بدن همواره از انواع شوینده ها

بهره گرفته اند. امام صادق علیه السلام برای شستن سر، شوینده های طبیعی را توصیه می کند و می فرماید: «غَسَلُ الرَّأْسِ بِالْخَطْمِ أَمَانٌ مِنَ الصَّدَاعِ وَ بَرَاءَةٌ مِنَ الْفَقْرِ وَ طَهُورٌ لِلرَّأْسِ مِنَ الْحَزَازِ»^۲ شستن سر با گل خطمی از سردرد جلوگیری می کند و انسان را از فقر دور می سازد و سر را از شوره پاک می کند.

مناظره با حانق تشریح پزشکی

عصر

امام صادق علیه السلام در مناظره ای که در دربار منصور دوانیقی با یک پزشک معروف هندی انجام داد، سخنانی در باره دانش پزشکی و اسرار بدن انسان یادآور شد که طیب هندی اظهار ناتوانی و بی اطلاعی کرد. امام در آغاز سخن، کلام معروف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را که مهم ترین راز بیماریهای انسان در آن مطرح شده، بیان کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «إِعْلَمُ أَنَّ الْمِعْدَةَ بَيْتُ الدَّاءِ وَ الْحِمِيَّةُ هِيَ الدَّوَاءُ» بدان که معده کانون هر بیماری است و

۱. الکافی، ج ۶، ص ۴۹۶.

۲. وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۶۱.

پرهیز موجب درمان است.» آن گاه امام علیه السلام از پزشک بزرگ آن عصر سؤالات فراوانی کرد و او همه را با جمله «نمی‌دانم» پاسخ گفت و از امام تقاضا کرد که جواب آن همه سؤال پزشکی و رازهای شگفت‌انگیز بدن انسان را بیان کند. امام صادق علیه السلام نیز همه را برای وی توضیح داد. طبیب هندی که داناتر از خود در دانش طب، کسی را سراغ نداشت، خود را در مقابل عظمت دانش امام، خیلی ضعیف و حقیر احساس کرد و تمام سخنان امام صادق علیه السلام را از عمق جان پذیرفته و سپس به شهادتین اقرار نموده، به دانش سرشار امام علیه السلام اعتراف کرد.^۱

هیئت و زمین‌شناسی

امام جعفر صادق علیه السلام در باره علم زیست‌شناسی نکته‌های ظریفی دارد. آن حضرت در پاسخ فردی که بر وجود خداوند متعال برهان قاطع و دلیل روشنی می‌خواست، از هر زمینه‌ای دلیل

آورد، از جمله به حرکت کره زمین اشاره کرد و فرمود: «وَتَحْرُكُ الْأَرْضِ وَمَنْ عَلَيْهَا»^۲ حرکت زمین و آنچه که در روی کره زمین است [یکی از نشانه‌های مستقن وجود خداوند است].»

امام در توحید مفضل در مورد حرکت وضعی و انتقالی زمین سخن می‌گوید و به کروی بودن آن نیز اشاره دارد. آن حضرت همچنین به مفضل بن عمر فرمود: «در آفرینش زمین و در شکل و هیئت آن دقت کن! زمین برای زندگی بشر چنان آرام است که گویی هیچ حرکتی ندارد و ساکن و آرام است. مردم می‌توانند بسر روی آن در رفع نیازهایشان بکوشند، آرام بنشینند و به راحتی بخوابند. اگر زمین برای مردم لرزان و ناآرام بود، مردم قادر به ساخت بنا و انجام کارهای روزمره خود نبودند و اگر زمین برای آنان لرزشی داشت، زندگی در کامشان تلخ می‌شد و یکی از مهم‌ترین حکمت‌های زمین لرزه‌ها هشدار به مردم است که از گناه و فساد اجتناب

۱. بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۲۰۵؛ علل الشرائع، ج

۱، ص ۹۸.

۲. الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۳۸.

کنند و ناتوانی خود را در مقابل آفریدگار احساس کنند.^۱

نظرات اقتصادی

امام صادق علیه السلام در عرصه اقتصاد نیز رهنمودهایی به مردم عرضه داشته است. از منظر آن بزرگوار، فعالیتهای اقتصادی می‌تواند زمینه‌ساز کمالات و فضائل انسانی باشد و نیز اندیشه‌های اقتصادی با انگیزه‌های مقدس برای هر مسلمانی ضروری می‌باشد. امام در این باره فرمود: «لَا خَيْرَ فِي مَنْ لَّا يُحِبُّ جَمْعَ الْمَالِ مِنْ حَلَالٍ يَكْفُ بِهِ وَجْهَهُ وَ يَقْضِي بِهِ دَيْنَهُ وَ يَصِلُ بِهِ رَجْمَهُ»^۲ کسی که از راه حلال و به انگیزه حفظ آبرو و اداء قرض و رسیدگی به خانواده و فامیل، به دست آوردن مال را دوست نداشته باشد، در او هیچ گونه خیری نیست.»

آن گرامی بر این باور تأکید می‌کرد که فعالیتهای اقتصادی افزون بر منافع مادی و دنیایی، انسان را به سوی بهره‌ها و پاداشهای معنوی سوق می‌دهد. عبدالله

بن ابی یعفور می‌گوید: در محضر امام صادق علیه السلام بودم که مردی از حضرت پرسید: به خدا قسم! ما به دنبال دنیا می‌رویم و دوست داریم آن را به دست آوریم. امام علیه السلام فرمود: تو می‌خواهی با دنیاطلبی و کسب درآمد چه کنی؟ او گفت: می‌خواهم نیازهایم را بر طرف سازم، به خانواده‌ام رسیدگی کنم، صدقه و احسان بدهم و حج و عمره انجام دهم. امام صادق علیه السلام فرمود: «أَيَسَّ هَذَا طَلَبَ الدُّنْيَا هَذَا طَلَبُ الْآخِرَةِ»^۳ اینکه دنیاطلبی نیست، این عمل [با این انگیزه] به دنبال آخرت رفتن است.»

فقه و اجتهاد

ششمین ستاره آسمان ولایت، شاگردان ممتاز خود را به اجتهاد و تفقه در دین دعوت می‌کرد و به آنان می‌فرمود: «أَتَمَّا عَلَيْنَا أَنْ نُلْقِيَ إِلَيْكُمْ الْأُصُولَ وَ عَلَيْنَا أَنْ تُفَرِّغُوا؛ هَمَانَا بَر

۳. وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۳۴.

۴. همان، ج ۲۷، ص ۶۱؛ اعلام الهدایة، ج ۸ ص ۲۴۰.

۱. توحید مفضل، ص ۱۳۱ و ۱۳۲.

۲. الکافی، ج ۵، ص ۷۲.

ماست که اصول کلی احکام شرع را به شما بیان کنیم و بر شماست که فروع [شرعی] را [طبق آن اصول] به دست آورید.»

آن حضرت برای حل مشکلات جامعه در عصر غیبت می‌اندیشید و برای مردم مسلمان که از امام خود دورند و دسترسی به حجت خدا ندارند، تقلید و پیروی از مجتهدان و فقیهان جامع

الشرائط را سفارش می‌کرد. در حقیقت امام صادق علیه السلام در پرورش و شکوفایی علم فقه تلاش فراوان می‌کرد.

آن حضرت در مورد شرائط یک فقیه کامل و جایگاه او می‌فرمود: «مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَنَظَرَ فِي حَلَالِنَا وَحَرَامِنَا وَعَرَفَ أَحْكَامَنَا فَلْيَرْضَوْا بِهِ حَكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْهُ مِنْهُ فَإِنَّمَا اسْتَخَفَّ بِحُكْمِ اللَّهِ وَ عَلَيْنَا رَدُّ وَ الرَّأْيُ عَلَيْنَا الرَّأْيُ عَلَى اللَّهِ؛^۱ هر کسی که از میان شما

حدیث ما را روایت و در حلال و حرام

ماست که اصول کلی احکام شرع را به شما بیان کنیم و بر شماست که فروع [شرعی] را [طبق آن اصول] به دست آورید.»

ما دقت کند و احکام ما را بشناسد، پس باید او را به عنوان حاکم [و مجتهد] بپذیرند که من وی را بر شما حاکم قرار می‌دهم. هر گاه طبق نظر ما حکم کرد و [کسی] آن را از او نپذیرفت همانا که حکم خدا را سبک شمرده و فرمان ما را رد کرده است و رد کننده بر ما، رد کننده بر خدا می‌باشد.»

آن حضرت برای حل مشکلات جامعه در عصر غیبت می‌اندیشید و برای مردم مسلمان که از امام خود دورند و دسترسی به حجت خدا ندارند، تقلید و پیروی از مجتهدان و فقیهان جامع

الشرائط را سفارش می‌کرد. در حقیقت امام صادق علیه السلام در پرورش و شکوفایی علم فقه تلاش فراوان می‌کرد.

آن حضرت در مورد شرائط یک فقیه کامل و جایگاه او می‌فرمود: «مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَنَظَرَ فِي حَلَالِنَا وَحَرَامِنَا وَعَرَفَ أَحْكَامَنَا فَلْيَرْضَوْا بِهِ حَكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْهُ مِنْهُ فَإِنَّمَا اسْتَخَفَّ بِحُكْمِ اللَّهِ وَ عَلَيْنَا رَدُّ وَ الرَّأْيُ عَلَيْنَا الرَّأْيُ عَلَى اللَّهِ؛^۱ هر کسی که از میان شما

حدیث ما را روایت و در حلال و حرام

ماست که اصول کلی احکام شرع را به شما بیان کنیم و بر شماست که فروع [شرعی] را [طبق آن اصول] به دست آورید.»

مدیون اندیشه‌های اوست.

علم شیمی
یکی از علومی که از محضر پیشوای ششم نشأت گرفته و بعداً در سایر مناطق رشد و توسعه یافته، علم شیمی است. از آنجائی که امام صادق علیه السلام هر دانشی را به اهل آن می‌آموخت و شایستگی و استعداد افراد را معیار تعلیم علوم قرار می‌داد، علم شیمی را به شاگرد شایسته و ممتاز خود، جابر بن حیان کوفی آموخت. او در این علم مهارت یافت و به پدر شیمی موسوم گردید. جابر بن حیان چنان در این عرصه درخشید و تعالیم صادق آل محمد علیهم السلام را به دنیا عرضه کرد که پیشرفت علوم و تکنولوژی جهان غرب امروزه مدیون اندیشه‌های اوست.

۱. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۱۸.

قاضی جمال الدین بن القفطی در این مورد می‌نویسد: «جابر بن حیان کوفی در علوم طبیعی به ویژه در صنعت شیمی، کمال مهارت را داشت. او در این زمینه، تألیفات متعددی دارد و ۲۲ رساله عربی از وی به یادگار مانده است. جابر علاوه بر علم شیمی، در علوم فلسفی و عرفانی و علم هیئت و ریاضیات نیز اطلاعات وسیعی داشته است.»^۱

جرجی زیدان گفته است: «جابر بن حیان از تربیت یافتگان ممتاز مکتب امام جعفر صادق علیه السلام است. آنچه مایه شگفتی است، اینکه: اروپائیان در شناخت و نشر اندیشه‌های وی بیشتر از مسلمانان و جهان عرب کوشیده‌اند و در موضوع جابر بن حیان کتابهای متعددی منتشر ساخته‌اند؛ چرا که می‌گویند: او پدر شیمی جدید و از بنیان‌گذاران این علم است. در حقیقت جابر سند افتخار شرق بر جهان غرب محسوب می‌شود و این افتخار و برتری همواره باقی خواهد ماند.

آثار وی برای همیشه برتری شرقیها را بر غربیها ثابت می‌کند.»^۲

ابن ندیم به آثار جابر بن حیان در موضوعات فلسفه، صنایع و حرفه‌های مختلف، کتابهای پزشکی، فلسفه، هیئت و دعا و موعظه اشاره کرده است.

امروزه تألیفات جابر بن حیان در کتابخانه‌های مهم دنیا نگهداری می‌شود. نسخه‌ای از کتاب «الخواص الکبیر» در موزه انگلستان و نسخه‌ای از کتاب «الاحجار» در کتابخانه ملی پاریس موجود است. معروف‌ترین کتاب وی، مجموعه کامل اسرار طبیعت است که بار اول در سال ۱۴۹۰ م. به چاپ رسید و در سال ۱۶۶۸ به انگلیسی و در سال ۱۷۷۲ به فرانسه ترجمه گردید. کتاب «السموم و دفع مضارها» با تحقیق و ترجمه دکتر سیکال به زبان آلمانی چاپ شده است.^۳ او همه این مهارتها و فنون

۲. معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۳۲۸، به نقل از مجله الهلال.

۳. شاگردان مکتب ائمه علیهم السلام، ج ۱، ص

مختلف را از محضر حضرت صادق علیه السلام به دست آورده بود.

ابن خلکان در شرح حال امام صادق علیه السلام می‌گوید: «او یکی از پیشوایان دوازده‌گانه مذهب امامیه و از برجستگان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است که به خاطر راستگویی در گفتار به لقب «صادق» موسوم گردیده است. فضل و کمال او روشن‌تر از آن است که به وصف آید. یکی از رشته‌های دانش وی صنعت شیمی است و شاگرد ممتازش ابوموسی جابر بن حیان آموخته‌های خود را از آن بزرگوار با پانصد عنوان و در هزار ورق به رشته تحریر درآورده است که همه برگرفته از گفتارهای جعفر صادق علیه السلام می‌باشد»^۱

علم حدیث

آثار به جای مانده در زمینه حدیث از امام صادق علیه السلام بیشتر از سایر معصومین علیهم السلام است.

هیچ کتاب فقهی و حدیثی و تفسیری شیعه خالی از کلام امام صادق علیه السلام نمی‌تواند باشد. شاید راز اینکه مذهب شیعه را جعفری نامیده‌اند، در این باشد که آن حضرت فرصت بیشتری برای تدوین و ارائه اندیشه‌های ناب اهل بیت علیهم السلام داشته است.

امام صادق علیه السلام در حوزه علم حدیث و آیات الاحکام و فقه بیشترین فرصت را یافته و توسط چهار هزار نفر از شاگردان خود تفکرات شیعی را به اقصا نقاط عالم منتشر ساخته است. هر یک از شاگردان آن حضرت نیز خود خدمات بزرگ فرهنگی و علمی را در مناطق مختلف عهده‌دار شده و حتی رهبران برجسته اهل سنت همانند مالک بن انس، ابو حنیفه، سفیان ثوری، ابن شبرمه قاضی و فقیه نامدار کوفه، ابن ابی لیلی، عمرو بن عبید معتزلی، عمر بن مقدام نیز در عرصه حدیث و فقه از محضر آن گرامی بهره‌مند شده‌اند.

ابوحنیفه از محضر امام صادق علیه السلام بهره‌های فراوانی برده بود و بارها

۱. روضات الجنات، ج ۲، ص ۲۱۸.

می گفت: «لَوْ نَا السَّنَانِ لَهَلَكَ النُّعْمَانُ!»^۱
اگر آن دو سال [که نزد امام صادق درس خواندم] نبود، نعمان بن ثابت (ابوحنیفه) هلاک می شد.»

ابوالحجاج مزی در «تهذیب الکمال» و شمس السدین ذهبی در «سیر اعلام النبلاء» این جمله معروف ابوحنیفه را یاد آور شده اند که «مَا رَأَيْتُ أَحَدًا أَفْقَهُ مِنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ»^۲ من کسی را فقیه تر [و داناتر] از جعفر بن محمد ندیدم.»

تفسیر و علوم قرآنی

پیشوای ششم در وادی تفسیر کلام خداوند از هیچ کوششی دریغ نمی کرد. آن حضرت علاوه بر تبیین و توضیح صحیح معانی آیات قرآن، از هر گونه لغزش و خطا نیز جلوگیری می کرد. امام صادق علیه السلام در مورد اهمیت آیات قرآن می فرمود: «إِنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ تَبْيَانًا كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ وَاللَّهِ مَا تَرَكَ اللَّهُ

شَيْئًا يَخْتَاجُ الْعِبَادَ إِلَيْهِ إِلَّا بَيَّنَّهُ لِلنَّاسِ»^۳
خداوند متعال در قرآن همه چیز را بیان کرده است تا آنجا که به خدا قسم! هیچ چیزی را که بندگان به آن نیاز دارند، فرو گذار نکرده و [تمام احکام] آن را برای مردم بیان کرده است.»

امام ششم خود همواره قرآن تلاوت می کرد، به آداب و قواعد تلاوت اهمیت می داد و آن را به دیگران می آموخت. به حفظ کردن، آموزش دادن و عمل به آیات الهی نیز توصیه می کرد. پایبند بودن به احکام و دستورات قرآن را به شدت تأکید می کرد و می فرمود: «وَاحْذَرْنَا أَنْ تَقَعَ مِنْ إِقَامَتِكَ حُرُوفُهُ فِي إِضَاعَةِ حُدُودِهِ»^۴ پرهیز از اینکه در راه اقامه حروف [و دقت در عبارات] قرآن حدود و احکام آن را ضایع کنی!»

از پیشوای صادق شیعیان در علم تفسیر و سایر علوم قرآنی آن قدر حدیث و روایت به یادگار مانده است که هیچ کتاب تفسیر و حدیث شیعی را نمی توان از آن خالی دید.

۱. المراجعات، ص ۱۵.

۲. تهذیب الکمال، ج ۵، ص ۷۹؛ سیر اعلام

النبلاء، ج ۶، ص ۲۵۷.

۳. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۵۱.

۴. مصباح الشریعة، ص ۲۸.